

حدیث روز:

از امام حسن(ع)سؤال شد: پستی چیست؟ فرمود: اندک بخشی و بدویبراه گفتن.

واحه:

مگو از دلت با هر کسی باز که در دنیا نیایی محرم راز

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۷/۴۸ غروب آفتاب: ۱۷/۰۲
 اذان مغرب: ۱۷/۲۱ نیمه شب شرعی: ۲۳/۰۵
 اذان صبح (فردا): ۵/۰۸ طلوع خورشید(فردا): ۶/۳۴

تلنگر

کالیگولا



علیرضا رافتی

هـر بار که امتحانات را خوب می‌دادی بیشتر دلم می‌گرفت. تو سومین نفر و آخرین شاگردی بودی که باید می‌رساندمش به مدرک امضا کنند. دوتای قبلی کلافه‌ام کرده بودند. هر دو از آن جوان‌های لوس ناز-پرورده بودند که می‌خواستند بقیه معرشان را در فرنگ به بطالت بگذرانند. هر طور بود رساندمشان به جایی که مدرک بگیرند و استخدام تو را به عنوان آخرین شاگرد معرفی کرد. اولین جلسه، وقتی سربالایی سعدآباد را نفس نفس می‌زدم به خودم لعنت می‌فرستادم که برای گرفتن این مدرک لیسانس کوفتی باید وقت عزیزم را به سر و کله زدن با یک مشتن نازپرورده خنگ بگذرانم. اما از یکشنبه بعد تمام مسیر به این فکر می‌کردم که چطور نگذارم امتحان «دلف» را قبول شوی. مغرض حساب و کتاب می‌کرد که اگر می‌خواهی نگذاری برود باید کاری کنی که قید یاد گرفتن فرانسه را بزنی. نباید بروی. دلم اما همچنان فرمان می‌داد که هر یکشنبه زنگ خانه ولایی‌تان را بزمن و کارگزاران در باز کنند و تو توی اتاقی که فقط یک میز داشت و دو صندلی منتظر بنشین و من خواهش کنم که اگر می‌شود این سگ را از اتاق بیرون کنی! تا کلاس را شروع کنیم و تو با خنده بگویی: «کاری نداره که طفلی!» و بفرستی‌اش بیرون. بعد مثل هر یکشنبه اول کلاس از بدی‌های فرانسه بگویم. از بوی بد خیابان‌های پاریس. از این‌که هیچ غریبه‌ای نمی‌تواند در غربت موفق شود. آدم خوب است در مملکت خودش به جایی برسد و تو دوباره از سالن‌های تئاتر پاریس بگویی و از این‌که اصلا کسی که دنبال تئاتر است باید برود آنجا. فقط خواستم توی این کاغذ نظرخواهی بنویسم که اجرا و فرانسوی حرف زدن عالی بود. راستش من اولین بار است که می‌آیم پاریس. همه آن خاطره‌هایی را که ۱۰ سال پیش از بوی بد پاریس و حققان فرانسه برایت می‌گفتم، از خودم درآورده بودم. اولین بار بود که اجرای «کالیگولا» می‌دیدم. نقش «کائسونیا» را عالی بازی کردی. فکر کنم این تنها برگه صندوق نظرخواهی سالن باشد که به فرانسوی نیست و به فارسی نوشته شده. من هیچ وقت نفتم دنبال گرفتن مدرک لیسانسم. راستش اصلا من فرانسوی بلد نیستم.

جام جم

شماره ۳۶۳۷ - ISSN 17۱۳۷۳۰۰
 پایگاه اطلاع‌رسانی:
 www.jamejamdaily.ir
 پست الکترونیکی:
 info@jamejamdaily.ir

یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۹ | ۲۲ ربیع الاول ۱۴۴۲ | صفحه ۱۰۱ | سال بیست و یکم - شماره ۵۷۹۷ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - November 8, 2020

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه



گفت‌وگو با عباس احمدی، طنزنویس و استاد دانشگاه باکسی شوخی نداریم!

طاهره آشنیانی روزنامه‌نگار
 این روزها آدم‌های درونگرا، حالشان از بقیه اگر بهتر نباشد، بدتر نیست. مثل همه مردم ماسک می‌زنند، اما از این‌که بخش زیادی از چهره‌شان مخفی است، احساس خوبی دارند. معاشرت‌ها و رفت و آمدها کم شده و این قضیه هم آنها را خوشحال می‌کند چون بدون این‌که لازم باشد به دیگران توضیح بدهند، می‌توانند در کنج انزوای خود از تنهایی لذت ببرند. اما همه این شرایط برای برون‌گراها برعکس است و کرونا و شرایطی که به وجود آمده، دیگر دارد کم‌کم اعصاب و روان آنها را به هم می‌ریزد، به همین علت احتمالا برون‌گراها مرتب با خودشان تکرار می‌کنند: آرام باش... آرام باش.

طبق تحقیقات مراکز روان‌شناسی، بیشتر مردم برون‌گرا هستند برای همین است که حتی در دوره کرونا، در کوچه و خیابان و مراکز خرید و تفریحی از حام مردم دیده می‌شود. بیشتر مردم طاقت نشستن در خانه و خلوت کردن با خودشان و از شرایط سکون استفاده کردن را ندارند. حتی بسیاری از مردم طاقت این‌که نصف بیشتر چهره مردم زیر ماسک باشد و آنها نتوانند با نگاه به صورت دیگران بفهمند او با خود و پیرامونش چند چند است را ندارند. مردم عادت کرده‌اند همه چیز عیان باشد. اما حالا ماسک صورت مردم را پنهان کرده و آنها فقط از طریق چشم است که می‌توانند موقعیت روحی و روانی طرف مقابل را ارزیابی کنند، اما مگر ما چقدر مهارت «چشم‌خوانی» بلدیم و چقدر به راز «چشم‌ها» واقفیم. حالا دیگر در روزگاری که به گفته بیشتر مردم، روزگار سختی است، حتی خنده‌های گاه به گاه هم زیر ماسک مخفی شده و این خلق‌مان را بیشتر تنگ می‌کند.

رابطه ماسک و پوشک بچه

عباس احمدی، شاعر طنزپرداز و استاد دانشگاه، اما نگاهش به ماسک و صورت‌هایی که پوشانده شده به گونه‌ای دیگر است. او می‌گوید: این‌جوری که بهتر است دیگر طلبکارها، بدهکارها را پیدا نمی‌کنند حتی اگر در مترو کنار هم ایستاده باشند. از طرفی به نفع خانم‌هاست بسیار زیاد! دیگر لازم نیست کلی هزینه کنند و لوازم آرایش بخرند! ماسک استفاده از لوازم آرایش را به مقدار زیادی کاهش داده و این به نفع خانم‌ها و دولت است. دیگر برای خرید لوازم آرایش ارز از کشور خارج نمی‌شود. از طرفی کارگاه‌های

تولید ماسک رونق گرفته‌اند و حتی آنها که بیکار بودند تولیدکننده ماسک شده‌اند به گونه‌ای که تولیدشان مازاد شده و دیگر کم دارد به سمت ورشکستگی آنها می‌رود! فکری کنید چرا پوشک بچه گران شده؟ چون بیشتر مواد اولیه تولید پوشک و ماسک یکسان است و الان همه دارند ماسک تولید می‌کنند!

به احمدی می‌گویم اما مردم عادت دارند در زمان صحبت یا حتی ارتباط در سکوت به چهره هم نگاه کرده و با استفاده از زبان بدن بدانند چگونه رفتار کرده یا صحبت کنند؟ می‌گوید: درباره مردم ایران این گفته صدق نمی‌کند. ما مردمی نیستیم که دانستن و فهم زبان بدن برایمان در اولویت باشد. غربی‌ها و اروپایی از این مهارت خیلی استفاده می‌کنند، اما ما مردم کلامی هستیم، یعنی از زوری کلمات و لحن طرف مقابل، او را تحلیل و قضاوت کرده و پاسخ لازم را می‌دهیم. اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در زمان صحبت از دست‌هایشان زیاد استفاده می‌کنند مثلا ایتالیایی‌ها به این رفتار شهرت دارند. این را در موسیقی غربی هم می‌توان دید، زمان ساز زدن زیاد حرکت می‌کنند، اما نوازنده‌های ما معمولا ساکن هستند و در سکون ساز می‌زنند یا حتی آواز می‌خوانند. اگر کسی با زبان بدن آشنا باشد، لازم نیست حتماً کل صورت طرف مقابل را ببیند. اگر فرد بی‌حوصله و بی‌دل و دماغ باشد از زوری شانه‌های افتاده او و نوع ایستادنش می‌توان حدس زد. چشمانش هم که آینه بی‌واسطه‌ای هستند که درونش را نشان می‌دهند. وقتی فرد شاد است، چشمانش می‌خندند و برق می‌زنند و اگر ناراحت باشد، چشمانش به‌وضوح این را نشان می‌دهد. البته این را هم بگویم ما مردمی نیستیم که زیاد خوشمان بیاید کسی به چهره‌مان نگاه کند یا به چشمانمان زل بزند. آن چهره به چهره «فیس تو فیس» ی‌که می‌گویند مال غربی‌هاست. ما معمولا مردمی هستیم که به پنهان کردن حالات درونی خود بیشتر راضی هستیم تا عیان کردن آن. به این دلایل به نظرم ماسک‌زدن برای ما ایرانی‌ها نه تنها ناراحت‌کننده نیست که از نظر روانی خوشحالمان هم می‌کند. از طرفی با این هوای آلوده‌ای که ما تنفس می‌کنیم بهتر است در بیشتر فصول سال از ماسک استفاده کنیم. کرونا آمده و ما را مجبور به استفاده از ماسک کرده، شاید سبب خیر شود این عادت



سخت نگیریم

احمدی بر این باور است که دوره کرونا می‌تواند، دوره خوبی باشد برای رشد شخصی و تمرین صبر و بردباری، مهربانی و مردم‌داری. این همه بیرون بوده‌ایم و از مکانی به مکان دیگری رفته‌ایم چه اشکالی دارد که کمی هم در خانه بمانیم، کتاب بخوانیم و فکر کنیم و بنیادهای فکری خودمان را رشد و توسعه بدهیم. چرا این قدر به خودمان استرس وارد می‌کنیم. حافظ می‌گوید: «گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع / سخت می‌گردد جهان بر مردمان سختکوش». کمی با نگاه طنز و شوخی به مسائل نگاه کنیم، چرا اصلا شوخی بردار نیستیم و سعی می‌کنیم با پرخشکاری و عصیانیت این ایده را که مردم ایران عصبانی‌ترین مردم جهان هستند، به اثبات برسانیم؟ بله! شرایط اقتصادی سخت است، شرایط اجتماعی خوب نیست و شکاف طبقاتی دارد بد جور اذیتمان می‌کند؛ اما کمی هم ما یاد بگیریم سخت‌نیاشیم. البته این مهارتی است که باید از بچگی یادمان بدهند در خانواده و در مدرسه که البته یاد نمی‌دهند. شاید برای همین است که اذیت می‌شویم و تحمل مان کم است. به جای از کوره در رفتن و فحش و کتک‌کاری، گاهی می‌توان از مساله عبور کرد. نادیده گرفت، بخشید و... مخلص کلام: سخت نگیریم.

را برای سلامت خودمان هم که شده ترک نکنیم!

بشار از کرونا بدتر را هم تجربه کرده

به احمدی می‌گویم: اگر تاریخ را نگاه کنیم، مردم ایران و بقیه دنیا شرایط سختی را تاکنون تجربه کرده‌اند: از مریضی بگیر تا جنگ و... اما الان با این‌که امکانات رفاهی و بهداشتی بیشتر از گذشته است، اما هراس مردم هم بیشتر شده، این ترس و اضطراب ریشه در کجا دارد؟ انسان معاصر، زاده اضطراب است. آدم‌های قدیم‌تر در زمان حال زندگی می‌کردند، آینده برایشان اهمیت چندانی نداشت، اما انسان معاصر نمی‌تواند در حال زندگی کرده و از شرایط و امکاناتی که دارد لذت ببرد. او مدام نگران فردایی است که نیامده و معلوم هم نیست وقتی می‌آید ما باشیم یا نه. حرص و طمع زیاد، او را به ورطه اضطراب

امروز در تاریخ:

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹
 تلفن: ۰۲۱-۳۲۰۰۴۰۰۰ | دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۶۲۵۲
 سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ | کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
 م‌ور مشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ | سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
 شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ | روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
 چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

حکمت ۱۰:

ه مردم آن‌گونه معاشرت کنید که اگر فرید بر شما اشک ریزند و اگر زنده مانندید با اشتیاق سوی شما آیند.



بازرس که بود و چه کرد؟

در یکی از کشورهای اروپای شرقی که وارد موج سوم کرونا شده، ستاد ملی مبارزه با کرونا پروتکل‌های جدیدی وضع و همگان را به اجرای آن ملزم کرد. از جمله مفاد



امید مهدی‌نژاد

طنزنویس

پروتکل جدید این بود که تمام رستوران‌ها موظفند فقط به‌صورت بیرون‌بر به ارائه خدمات به مشتریان بپردازند و تنها رستوران‌هایی که همه استانداردهای بهداشتی را رعایت می‌کنند و فضای غیرمستقف برای پذیرایی از مشتریان خود دارند، می‌توانند با ظرفیت محدود و در ساعات مشخصی خدمات ضروری نیز به مشتریان ارائه دهند. ستاد ملی مبارزه با کرونا همچنین بازرسان خود را مأمور کرد تا بدون اطلاع قبلی و با لباس مبدل به اماکن مختلف ازجمله رستوران‌ها مراجعه کنند و پایبندی یا عدم پایبندی اماکن و رستوران‌ها به پروتکل را به آن ستاد گزارش کنند. یکی از بازرسان ستاد که واقعا گشنه‌اش هم بود، برای ناهار به یکی از رستوران‌های مجاز رفت و پس از مشاهده زیرپوستی وضعیت سالن و رفتار کارکنان، یک استیک سفارش داد. دقایقی بعد کارسون در حالی که یک استیک را داخل بشقاب گذاشته و با انگشت شست خود آن را در بشقاب نگاه داشته بود به سمت میز بازرس حرکت کرد. وقتی کارسون به میز بازرس رسید و خواست بشقاب استیک را روی میز بگذارد، بازرس با عصبانیت گفت: این چه وضعش است؟ برای چی شستند را روی غذای من گذاشته‌ای؟ کارسون گفت: شرمند، بازرس گفت: خب وردار. کارسون گفت: می‌ترسم، بازرس گفت: برای چی؟ کارسون گفت: می‌ترسم باز بیفتد روی زمین. بازرس با شنیدن این جمله از جا برخاست و دست خود را داخل جیب بغل خود کرد و علامت مخصوص ستاد مبارزه با کرونا را از جیبش درآورد و به همه نشان داد و از همه خواست زانو بزنند. وقتی همه زانو زدند، سراغ مدیر رستوران که سرفه‌های شدیدی می‌کرد رفت و وی را جریمه کرد و دستور پلمب رستوران را نیز صادر نمود و سر میز خود بازگشت و استیکش را خورد و از رستوران بیرون رفت.

خدا حافظی عابدزاده با فوتبال

احمدرضا عابدزاده به طور رسمی اعلام کرد به‌زودی از دنیای فوتبال و دروازه‌بانی خدا حافظی خواهد کرد.

او در گفت‌وگو با جام جم گفت: چند روز قبل به فدراسیون رفتم و با آقای صفایی فراهانی دیدار کردم. نظم خوبی در فدراسیون برقرار است و از این بابت خوشحالم. برای چگونگی مراسم خدا حافظی با ایشان صحبت کردم و قول داد مراسم خوب و باشکوهی برای من در نظر بگیرد. بعد از مراسم خدا حافظی تصمیم دارم برای کلاس مربیگری به خارج از کشور بروم شاید انگلستان یا آلمان و باید زبان انگلیسی یاد بگیرم. (صفحه ۱۵)



گفت‌وگو با حمید فرخ‌نژاد درباره فیلم سفر سرخ



تدوین فیلم - سریال « سفر سرخ» به کارگردانی حمید فرخ‌نژاد ادامه دارد. مصطفی خرقة پوش این اثر را تدوین می‌کند. فرخ‌نژاد درباره فیلمنامه این فیلم - سریال که در چهار قسمت ۴۵ دقیقه‌ای در گروه فیلم و سریال گروه حماسه شبکه یک تولید می‌شود، به جام جم گفت: فیلمنامه اولیه را احمدرضا درویش و علیرضا طالب‌زاده نوشته‌بودند اما من در بازنویسی، بخش‌هایی از فیلمنامه و پایان آن را تغییر دادم. این فیلم داستانی کلاسیک ندارد و تلاش کرده‌ام واقعیت‌های جنگ را به تصویر بکشم. شخصیت‌های داستان یک پرستار و سه مرد مسلح از نیروهای مردمی هستند که در طول قصه اتفاقی در بطن جنگ را تجربه می‌کنند. فرخ‌نژاد در پاسخ به این پرسش که چرا در اولین فیلم سینمایی خود سراغ جنگ رفتید، گفت: موضوع جنگ با وجود فیلم‌های زیادی که درباره آن ساخته شده اما هنوز زوایای پنهان بسیاری دارد که بکرو تازه است و به نظرم جای کار دارد. (صفحه ۳)

یک میلیون تلفن همراه به دست

میرطاهری؛ سرپرست وزارت پست و تلگراف در همایش سیستم‌های هوشمند گفت: هم‌اکنون در زمینه تلفن همراه ۸۰۰ هزار مشترک خط تلفن همراه داریم که سال آینده به دو میلیون خط می‌رسد. دکتر محمد تشنه‌لب، دبیر همایش نیز گفت: پروژه مرکز محاسبات مشترکان و متقاضیان تلفن همراه یکی از پیچیده‌ترین پروژه‌های واگذار شده به متخصصان داخلی است. (صفحه ۴)

مردم آمریکا پای صندوق

رای رفتند

پنجاه و چهارمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا روز گذشته آغاز شد. در این انتخابات ۵۱ ایالت این کشور برای رای‌گیری فعالیت داشتند. ایالت‌هایی مانند پنسیلوانیا و میشیگان به منظور برگزاری آرام انتخابات تحت تدابیر شدید امنیتی قرار داشتند. همزمان با این انتخابات، برای تعیین سرنوشت کرسی‌های مجلس سنا نیز رای‌گیری شد. جمهوریخواهان آمریکا در ترکیب مجلس سنا کنونی برتری ۵۴ بر برابر ۴۶ را در اختیار دارند. در انتخابات سنا در شهر نیویورک بین هیلاری کلینتون، نامزد دموکرات و ریک بازیو نامزد جمهوریخواه رقابت فشرده وجود دارد. در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مردم بین جورج دبلیو بوش، دیک چینی و ال‌گور یکی را باید انتخاب کنند. (صفحه ۱۳)

نظر علیرضا خمسه

درباره پانتومیم

علیرضا خمسه یکی از داوران نخستین جشنواره پانتومیم درباره این هنر گفت: قدمت این هنر به درازای تاریخ، فرهنگ و خلقت بشر است. روزی که انسان خلق شد برای بیان مقصودش از حرکت استفاده کرد. پانتومیم جدیدترین شاخه هنر تئاتر است. آنچه ما به عنوان پانتومیم می‌شناسیم، مربوط به سبکی است که از دهه اول قرن بیستم آغاز شده و خاستگاه و جایگاه آن کشور فرانسه است. در کشور ما تعداد انگشت‌شماری که در این زمینه کار می‌کنند رهون زحمات سیروس شاملو و ناصر آقایی هستند. (صفحه ۱۶)

